

تحلیلی بر سیاست ابهام هسته ای اسرائیل

دکتر محمدرضا ملکی * فرزاد محمدزاده ابراهیمی **

چکیده

بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران بر این باورند که اسرائیل پیشرفته‌ترین برنامه هسته ای خاورمیانه را در اختیار دارد. اسرائیل در قبال توانایی هسته ای خود موضعی مبهم اتخاذ کرده و سیاست ابهام هسته ای را پیگیری می‌کند، به گونه‌ای که دارا بودن سلاح اتمی را نه تأیید و نه رد می‌کند. چرا اسرائیل سیاست ابهام هسته ای را پیگیری می‌کند؟ این سیاست منافی را برای اسرائیل در پی داشته است. مهمترین دلایل پیگیری این سیاست توسط اسرائیل عبارتند از: 1- ایجاد بازدارندگی در مقابل خطراتی که امنیت و منافع اسرائیل را تهدید می‌کند و 2- ادامه یافتن کمک‌های ایالات متحده به اسرائیل. رهبران اسرائیل بر این باورند که ادامه موضع کنونی ابهام برای امنیت اسرائیل لازم است و بسیاری از کارشناسان اسرائیلی نیز معتقدند که هیچ سیاست جایگزینی برای ابهام هسته ای وجود ندارد. این پژوهش تا حد امکان دلایل پیگیری این سیاست را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژگان

اسرائیل، ایالات متحده، سلاحهای هسته ای، سیاست ابهام هسته ای، بازدارندگی، دکترین هسته ای اسرائیل، برتری هسته ای، روند صلح خاورمیانه، کمکهای خارجی امریکا

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

مقدمه

بیشتر کارشناسان بر این باورند که اسرائیل ششمین کشوری است که به سلاح‌های هسته ای دست یافته و یکی از چهار کشور مسلح به سلاح اتمی است که در چهارچوب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته ای (ان-پی-تی)¹ به عنوان دولت صاحب سلاح هسته ای به رسمیت شناخته نمی شود. سه کشور دیگر هندوستان، پاکستان و کره شمالی هستند. اسرائیل در قبال برنامه هسته ای خود سیاست ابهام را در پیش گرفته و هرگز بطور رسمی در اختیار داشتن سلاح‌های هسته ای را تأیید نکرده است. در عوض این دولت طی سالهای متمادی به دفعات عنوان کرده که اولین کشوری نخواهد بود که در خاورمیانه به عنوان صاحب سلاح هسته ای شناخته می شود. این در حالی است که مشخص نیست ترک سیاست ابهام به معنای ایجاد نکردن این سلاحها است و یا استفاده نکردن از چنین تسلیحاتی. اسرائیل تحقیقات خود را در زمینه هسته ای درست یک سال بعد از تأسیس خود در سال 1948 آغاز و بطور پنهانی با حمایت فرانسه به ساخت راکتور هسته ای و تجدید فرآیند واحد صنعتی در اواخر 1950، اقدام کرد. هر چند اسرائیل اولین سلاح هسته ای خود را در سال 1967-1968 ساخت، اما این عمل بطور رسمی تأیید نشد، تا اینکه مورد خای وانونو تکنسن سابق هسته ای اسرائیل در سال 1986 جزئیات برنامه هسته ای این کشور را در مطبوعات بریتانیا فاش کرد. بسیاری از کارشناسان عنوان می کنند که اسرائیل بین 75 تا 400 کلاهک هسته ای با قابلیت پرتاب بوسیله سامانه‌های زمینی، هوایی و زیردریایی را در اختیار دارد. برخی شواهد حاکی از این است که اسرائیل به موشکهای بالستیک دور برد (قاره پیما) نیز دست یافته است.

ابهام هسته ای اسرائیل

اسرائیل بر این اساس دارا بودن سلاح‌های هسته ای را نه تأیید و نه تکذیب می کند. رهبران اسرائیل در دهه 60 بحث‌های زیادی را پیرامون این موضوع انجام دادند که لحظه مناسب جهت جلوگیری از حمله دشمنی که در زمینه سلاح‌های متعارف برتری دارد چه زمانی است؟ نتیجه‌ای که از این بحث‌ها گرفته شد این بود که اسرائیل نمی تواند در بحبوحه جنگ و بدون اعلام قبلی از سلاح‌های هسته ای استفاده کند.

1 - N.P.T: Nuclear Non-Proliferation Treaty

معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته ای (ان-پی-تی): پیمانی در جهت محدودیت گسترش سلاح‌های هسته ای است، که در سال 1968 امضا و در سال 1970 لازم الاجرا شد. در حال حاضر 189 دولت عضو این پیمان هستند که پنج عضو آن؛ ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین (اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد) در چهارچوب پیمان به عنوان دولت صاحب سلاح هسته ای به رسمیت شناخته شده‌اند. تنها 4 دولت هندوستان، اسرائیل، پاکستان و کره شمالی عضو این معاهده نیستند.

اگر کشوری تصمیم بگیرد تا سلاح‌های هسته ای داشته باشد دشمنان او باید اطلاع داشته باشند، یا حداقل نگران باشند که قابلیت هسته ای وجود دارد. بازدارندگی تنها زمانی مؤثر است که دشمنان به قابلیت آن آگاه و از آن بیمناک باشند. اما اسرائیل متعهد شده بود که اولین کشوری نباشد که سلاح‌های هسته ای را وارد منطقه می کند و به این ترتیب قابلیت سلاح‌های هسته ای خود را مبهم نگه داشت. حالا این سوال مطرح می شود که در صورتی که کشوری بطور آشکار اعلام نکند که دارای سلاح هسته ای است، چگونه می تواند مانع از حمله دشمن شود؟ ضمن اینکه شرایط استراتژیکی جدید بعد از جنگ 1967، نیاز به بحث درباره بازدارندگی هسته ای آشکار را کاهش داده بود. در جستجوی راهکاری برای یافتن پاسخ این سوال، استراتژیست‌های اسرائیلی در میان بحث‌های خود به این نتیجه رسیدند که بازدارندگی و ابهام را مورد بررسی قرار دهند. بازدارندگی ممکن است در قالب طیفی مورد بررسی قرار گیرد که در آن شایعات و گمانه زنی‌ها نتیجه حد مبهم آن، و انجام آزمایش هسته ای نتیجه حد آشکار آن است. به این ترتیب بازدارندگی هسته ای اسرائیل را باید بر پایه تصور القا شده از طریق شایعات و افشاگری‌های پراکنده مورد بررسی قرار داد، به گونه‌ای که اسرائیل دارای قابلیت سلاح‌های هسته ای است و می تواند در شرایط بروز تهدید از آن استفاده کند و به این ترتیب اسرائیل بازدارندگی مبهم هسته ای را به کار گرفت. شایعات و افشاگری‌ها نیز تا زمانی که به منابع مشخصی نسبت داده نمی‌شوند به نفع اسرائیل هستند. اسرائیل نیز آماده است تا در صورت بروز تهدید جدی موضع خود را در طیف بازدارندگی تغییر دهد و در همین راستا نیز کماکان به توسعه قابلیت هسته ای خود ادامه می دهد. (1)

اسرائیل و بازدارندگی

از مهمترین دلایلی که موجب شده است تا اسرائیل کماکان به پیگیری سیاست ابهام هسته ای علاقمند باشد، ایجاد بازدارندگی در مقابل خطراتی است که منافع این دولت را مورد تهدید قرار می دهد. اسرائیل از همان بدو تأسیس خود محیط خاورمیانه را تهدید آمیزی دید و این احساس هنوز نیز ادامه دارد. اسرائیل همیشه با این تصور زندگی کرده که کشورهایی در صدد نابودی آن هستند و بر این اساس تصمیم گرفت تا بازدارندگی ایجاد کند تا امنیت خود را تضمین نماید. این بازدارندگی بر اساس سیاست ابهام هسته ای قرار دارد. احساس ناامنی اسرائیل ریشه در چند عامل دارد. اسرائیل کشوری است که از هولوکاست سر برآورده و در محاصره دشمنان عرب خود قرار دارد. همانگونه که مقامات اسرائیلی از بدو

تأسیس عنوان می کنند شاید اسرائیل تنها کشوری است که همسایگان آن در صدد نابودی آن هستند. اسرائیل از بدو تأسیس به دفعات با همسایگان خود به زد و خورد پرداخته و هنوز هم به سرانجامی نرسیده است. این احساس ترس همیشه با اسرائیل همراه بوده است. از دیگر عوامل دخیل در این رابطه، موقعیت جغرافیایی این کشور است. جدا از قرار گیری آن بین کشورهای دشمن، اسرائیل کشوری کوچک است که عمق استراتژیک ندارد و در مقابل حملات متعارف و غیر متعارف زخم پذیر است. جمعیت آن نیز چندان قابل توجه نیست. هنوز روند صلح خاورمیانه به نتیجه نرسیده و اسرائیل کماکان با گروههای تندرو فلسطینی دست به گریبان است. گسترش سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای دوربرد در منطقه نیز بیش از پیش به احساس ناامنی این کشور دامن زده است. اسرائیل به شدت نگران دستیابی کشورهای خاورمیانه به اینگونه سلاحها است، بخصوص کشورهایی که در صدد نابودی اسرائیل هستند. برنامه هسته ای و موشکهای دور برد ایران در صدر نگرانیهای اسرائیل قرار دارد. (2) غالب رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل از ابتدا تا کنون بر این باور بوده اند که اسرائیل باید خود را برای بدترین وضعیت آماده کند و از این رو طرح برنامه سلاحهای هسته ای به عنوان حفاظ امنیتی تقریباً از اجماع ملی در این کشور برخوردار بوده است. با این حال بیشتر استراتژیستهای اسرائیل مخالف آن هستند که امنیت ملی اسرائیل بر پایه موضع آشکار بازدارندگی هسته ای استوار گردد. (3)

1- جغرافیای سرزمینی و انسانی اسرائیل

اسرائیل در غرب آسیا و در ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته است. این کشور با لبنان در شمال، سوریه در شمال شرقی، اردن و کرانه باختری در شرق، مصر و باریکه غزه در جنوب غربی هم مرز است. اسرائیل با حدود 20770 کیلومتر مربع به لحاظ وسعت در رده 152 در جهان قرار دارد، که 445 کیلومتر مربع آن را آبهای درون سرزمینی شکل می دهد. از شمال تا جنوب اسرائیل حدود 424 کیلومتر، عرض ترین بخش آن از شرق به غرب حدود 114 کیلومتر و کم عرض ترین بخش آن حدود 15 کیلومتر است. (4) اسرائیل در حدود 7,5 میلیون نفر جمعیت دارد که اکثریت آن یهودی هستند و تنها دولت یهودی در جهان به شمار می رود. بر اساس اهداف آماری، اسرائیل سه ناحیه کلانشهری پرجمعیت دارد (با احتساب جمعیت حومه آنها)؛ تل آویو، حیفا و بتیرشبیع¹. برخی بیت المقدس و ناصره² را نیز در این طبقه بندی جای می دهند. در مجموع اسرائیل 74 شهردارد، که 14 شهر جمعیتی بالای 100 هزار نفر را در خود جای داده اند. (5)

1 - Beersheba

2 - Nazareth

یهودیان امروزی بر این باورند که دولت مدرن اسرائیل دارای ریشه‌های تاریخی و مذهبی است. با این حال تاریخ شکل‌گیری صهیونیسم سیاسی به اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد. اعلامیه بالفور در 1917، هم جنبش صهیونیسم را تسریع کرد و هم به آن مشروعیت بخشید. بعد از جنگ جهانی اول جامعه ملل قیمومت فلسطین را باهدف تأسیس موطن ملی برای مردم یهود به بریتانیا واگذار کرد. (6) در 1947، سازمان ملل تقسیم فلسطین به دو دولت یهودی و عرب را تصویب کرد. در 14 مه 1948، دولت اسرائیل اعلام استقلال کرد و این منجر به جنگ با دولتهای عرب اطرافش شد، که از به رسمیت شناختن اسرائیل امتناع می‌کردند. متعاقب آن اسرائیل برای دفاع از استقلال خود در یک رشته از جنگها به پیروزی دست یافت و مرزهای دولت یهود را فراسوی طرح تقسیم سازمان ملل گسترش داد.

از آن زمان به بعد اسرائیل با بیشتر کشورهای عرب همسایه خود مدام در حال زد و خورد بوده است، که منجر به چندین جنگ و دهها سال خشونت شده که تا به امروز هم ادامه دارد. اسرائیل با مصر، سوریه، عراق، اردن و لبنان جنگیده و هم اکنون با گروههای فلسطینی در مجاورت مرزهای خود دست به گریبان است. از زمان تأسیس اسرائیل، مرزها و موجودیت آن به ویژه در میان همسایگان عرب و بیشتر آوارگان فلسطینی، همواره مورد مناقشه بوده است. هر چند اسرائیل پیمانهای صلح با مصر و اردن امضا کرده است، با این وجود تلاش‌های این دولت برای دستیابی به صلحی پایدار با فلسطینی‌ها موفقیت چندانی در پی نداشته و ناکام مانده است.

2- موضع اسرائیل در قبال دارا بودن سلاحهای هسته ای

هر چند اسرائیل بعد از سخنان بن گورین در کنست¹ (پارلمان اسرائیل) در دسامبر 1960، بطور رسمی وجود دیمونا را تأیید کرده است، هرگز بطور رسمی ساخت و یا در اختیار داشتن سلاحهای هسته ای را تأیید نکرده است. علاوه بر این سیاست، در تاریخ 18 مه 1966، نخست وزیر وقت اسرائیل لوی اشکول طی نطقی در کنست عنوان کرد که « اسرائیل سلاحهای اتمی ندارد و اولین کشوری نخواهد بود که آنها را وارد منطقه می‌کند،» همان عبارتی که برای اولین بار شیمون پرز در آوریل 1963، خطاب به جان اف کندی رئیس جمهور وقت ایالات متحده به کاربرد. لواخر دهه 1960، اسحاق رابین سفیر اسرائیل در ایالات متحده، به وزارت امور خارجه ایالات متحده اعلام کرد که مفهوم وارد کردن چنین سلاحهایی به این معنی است که آنها مورد آزمایش قرار گرفته و بطور علنی تأیید شود، در حالی که تنها در اختیار داشتن این سلاحها به معنی وارد کردن آنها نیست. (7)

1 - Knesset

آونرکوهن¹ تصویر اولیه از سیاست هسته ای اسرائیل را به عنوان ابهام هسته ای و مرحله بعدی را که از 1970 شروع شده و طی آن مشخص شده است که اسرائیل سلاح‌های هسته ای در اختیار دارد به عنوان سیاست عدم شفاف سازی هسته ای توصیف می کند. در مصاحبه دسامبر 2006، نخست وزیر پیشین اسرائیل ایهود اولمرت جمله‌ای را عنوان کرد که نزدیک بود سیاست ابهام هسته ای اسرائیل را نقض کند. او عنوان کرد که ایران علاقمند است «همچون امریکا، فرانسه، اسرائیل و روسیه، سلاح‌های هسته ای داشته باشد.» متعاقب آن دفتر نخست وزیری اعلام کرد که این سخنان خارج از متن اصلی نقل قول شده و مربوط به قسمت دیگری از مصاحبه است. اولمرت از تأیید یا انکار وضعیت هسته ای اسرائیل امتناع کرده است. (8)

2-1- دکترین هسته ای اسرائیل

دکترین هسته ای اسرائیل بر اثر نبود عمق استراتژیک این کشور شکل گرفته است. یک هواپیمای جت جنگنده با سرعت کمتر از سرعت صوت می تواند در عرض 4 دقیقه، مسافت 40 مایل دریایی (معادل 74 کیلومتر) از رود اردن تا دریای مدیترانه را ببیماید. افزون بر این با توجه به کمبودهای نظامی و غیر نظامی خود به دلیل جمعیت کم و در جهت تقویت آن، بر پایگاه نظامی سربازان ذخیره خود تکیه دارد. اسرائیل تلاش می کند این ضعف‌های خود را به وسیله تاکید بر اطلاعات نظامی و جاسوسی، قابلیت مانور و قدرت آتش خود جبران کند. در نتیجه، استراتژی اسرائیل بر اساس بنیانی گذاشته شده است که استطاعت تحمل تلفات ناشی از حمله نظامی را ندارد و بدینسان به وسیله ایجاد بازدارندگی باید از آن جلوگیری کند که شامل گزینه پیش دستی می شود. اگر این اقدامات کافی نبود و مؤثر واقع نشد تمام تلاش خود را به کار می برد تا از افزایش تدریجی شدت و وسعت میدان جنگ جلوگیری کرده و به جنگ سریع و قاطع خارج از مرزهای خود دست می زند. از لحاظ سوق الجیشی موشک‌های دور برد اسرائیل، هواپیماها با قابلیت حمل سلاح‌های هسته ای و به احتمال زیاد زیردریایی ها، در مقابل حملات متعارف و غیرمتعارف بازدارندگی ضربه دوم مؤثری را به منصفه ظهور می گذارد که در صورتی که نیروهای دفاعی اسرائیل متحمل شکست شوند و مراکز پرجمعیت تهدید گردند - گزینه سامسون - یعنی یک حمله همه جانبه و کامل بر علیه دشمن متخاصم می تواند مورد استفاده قرار گیرد. زرادخانه هسته ای می تواند به صورت تاکتیکی نیز مورد استفاده قرار گیرد. هر چند سلاح‌های هسته ای از منظر ضامن نهایی امنیت اسرائیل مورد توجه قرار می گیرد، با این

وجود در اوایل دهه 1960، اسرائیل از احداث مکانهای نظامی در اطراف تأسیسات هسته ای خود اجتناب کرده و در عوض برتری متعارف مطلق را پیگیری می کرد. (9)

بر اساس گفته‌های آونرکوهن، اسرائیل برای اولین بار در سال 1966، تهیه نظامند طرح استراتژیک بلندمدت خود را آغاز کرد که حول 4 «خط قرمز» دور می زد و می توانست منجر به پاسخ هسته ای از جانب اسرائیل گردد: (10)

1- نفوذ موفقیت آمیز ارتش‌های عربی به درون مناطق مسکونی اسرائیل بعد از مرزهای 1949 (قبل از 1967)

2- انهدام نیروی هوایی اسرائیل

3- قرار گرفتن شهرهای اسرائیل در معرض حملات وسیع و ویرانگر هوایی، یا حملات احتمالی شیمیایی و بیولوژیکی

4- استفاده از سلاح‌های هسته ای علیه اسرائیل

2-2- استفاده از سلاح‌های هسته ای

در 8 اکتبر 1973، درست بعد از شروع جنگ یوم کیپور¹، گلدای مایر² و مشاوران نزدیکش تصمیم گرفتند تا 8 فروردین فانتوم اف 4 مسلح به سلاح‌های هسته ای را در پایگاه هوایی تل نوف³ و تعداد زیادی موشک انداز هسته ای را در پایگاه هوایی سدوت میخا⁴ در آماده باش 24 ساعته قرار دهند. سیمور هرش فهرست اهداف اولیه اسرائیل را «قرارگاه‌های نظامی سوریه و مصر نزدیک قاهره و دمشق» عنوان می کند. این آماده باش هسته ای تنها با در نظر گرفتن جنبه‌های احتیاطی نبود، بلکه برای تحت فشار قرار دادن شوروی بود تا از تهاجم اعراب ممانعت به عمل آورده و همین‌طور ایالات متحده را به آغاز ارسال مواد و تجهیزات مورد نیاز خود متقاعد نماید. گزارش دیگری عنوان می کند که یک افسر بلند پایه سازمان اطلاعات شوروی در این مورد به رئیس ستاد ارتش مصر هشدار داده است و هنری کیسنجر مشاور امنیت ملی وقت ایالات متحده عنوان می کند که تهدید به کارگیری سلاح‌های هسته ای موجب شد تا او بر تجدید تدارکات وسیع برای اسرائیل اصرار داشته باشد. هرش خاطر نشان می‌سازد که اسرائیل پیش از دستیابی به توانایی‌های ماهواره‌ای بومی، به شدت مشغول جاسوسی بر علیه ایالات متحده بوده تا اطلاعات اهداف هسته ای

1 - Yom Kippur War

2 - Golda Meir

3 - Tel Nof

4 - Sedot Mikha

شوروی را به دست آورد.(11)

دکترین هسته ای و نظامی اسرائیل بر جنگ پیش دستانه علیه هر حمله ممکن با سلاحهای هسته ای، بیولوژیکی، شیمیایی یا حتی حملات متعارف بالقوه علیه سلاحهای کشتار جمعی اسرائیل استوار است. برخی کارشناسان نیز بر این باورند که اسرائیل این سیاستها را با همکاری و به اتفاق سیاستهای هسته ای پیش دستانه ایالات متحده ادامه و گسترش خواهد داد، بطوری که در دکترین عملیات هسته ای مشترک مشخص شده است.(12)

بعد از اینکه عراق طی جنگ اول خلیج فارس در سال 1991 با موشکهای اسکاد، اسرائیل را هدف قرار داد، این کشور در حالت آماده باش هسته ای تمام عیار قرار گرفت و موشک اندازهای هسته ای متحرک خود را در حالت پرتاب قرار داد.(13) در جریان آماده سازی ایالات متحده برای حمله به عراق در سال 2003 نگرانی‌های جدی در این باره وجود داشت که ممکن است عراق با استفاده از سلاحهای غیر متعارف به اسرائیل حمله کند. بعد از گفتگوهای جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده با نخست وزیر سابق اسرائیل، آریل شارون هشدار داده بود که «اگر شهروندان ما بوسیله سلاحهای کشتار جمعی مورد تهاجم قرار گیرند و متعاقب آن متحمل تلفاتی گردند، در آن صورت اسرائیل پاسخ خواهد داد.»(14)

2-3- برتری هسته ای در خاورمیانه

اسرائیل در جهت نیل به سیاست هسته ای خود، برتری هسته ای در منطقه را نیز در دستور کار دارد. در همین راستا نیز اسرائیل تلاشهای دیپلماتیک، عملیات روانی و همین طور اقدامات نظامی پنهانی را مورد استفاده قرار می دهد تا از دستیابی کشورهای خاورمیانه به سلاحهای هسته ای جلوگیری کند. در 7 ژوئن 1981، اسرائیل حمله هوایی پیش دستانه ای را علیه راکتور هسته ای عراق در اوزیراک سازماندهی کرد که به عملیات اپرا¹ معروف است. در اواخر 1970 عراق راکتور هسته ای «کلاس اوزیریس» را از فرانسه خریداری کرد. سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل بر این باور بودند که این اقدامی در جهت تولید پلوتونیوم برای ساخت سلاحهای هسته ای است و آخرین شانس برای انهدام آن قبل از قرار دادن سوخت در راکتور است. طی این عملیات غافلگیرانه، اسکادرانی از جنگنده‌های اف 16 نیروی هوایی اسرائیل با پشتیبانی هواپیماهای اف 15، راکتور را مورد حمله قرار داده و خسارات سنگینی را بر آن وارد کردند. همچنین گفته می شود که موساد در قتل چند تن از دانشمندان برجسته‌ای که در برنامه هسته ای عراق همکاری داشته

اند دست داشته است. (15) طرح حمله هوایی موفقیت آمیز اسرائیل به کوره اتمی عراق ژنرال ابیعام صلح نام داشت. نام بسیاری از خلبانان نیروی هوایی اسرائیل که در عملیات اپرا شرکت داشتند تا سال‌ها منتشر نشد، اما پس از گذشت سالها نام برخی از خلبانان و طراحان آن منتشر شد که از آن جمله می‌توان به ژنرال دان حالوتس، خلبان ایرانی تبار نیروی هوایی اسرائیل و ایلان رامون نخستین فضانورد اسرائیلی که در حادثه انفجار فضاپیمای کلمبیا کشته شد، اشاره کرد. (16) در 6 سپتامبر 2007 اسرائیل حمله هوایی دیگری را با نام عملیات اورچارد¹ علیه هدفی در منطقه دیر الزور² سوریه انجام داد. بعدها مقامات وقت کاخ سفید و سیا عنوان کردند که محل مورد هدف تأسیسات هسته ای با اهداف نظامی بوده است، هرچند که سوریه آن را تکذیب می‌کند. بررسی‌های انجام گرفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدارکی را در راستای تأیید ادعاهای واشنگتن وتل آویو به دست نیاورده است. هرچند این تحقیقات همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشهای خبری حمله توسط اسکادران 69 نیروی هوایی اسرائیل متشکل از چند فروند اف 15، اف 16 و یک هواپیمای الینت صورت گرفته و تعداد دقیق آنها بین 4 تا 8 فروند تخمین زده می‌شود. برخی از شواهد حاکی از این است که نیروهای ویژه نیروی هوایی اسرائیل موسوم به شالدگ³ قبل از عملیات به محل مورد نظر اعزام و این محل را با پرتوهای لیزری نشانه گذاری کرده‌اند. برخی نیز نیروهای عمل کننده در این عملیات را نیروهای ویژه سایرت ماتکال⁴ وابسته به نیروهای دفاعی اسرائیل عنوان کرده‌اند. (17)

سیمور هرش بر این باور است که این حمله هوایی را می‌توان به عنوان نوعی آزمایش برای حمله به تأسیسات هسته ای ایران مورد ارزیابی قرارداد. در 7 ژانویه 2007 ساندی تایمز گزارش کرد که اسرائیل در حال تنظیم برنامه‌ای برای انهدام 3 واحد تأسیسات هسته ای ایران با استفاده از بانکر-باسترهای هسته ای⁵ با بازده کم است. مقامات اسرائیلی چنین ادعاهایی را تکذیب می‌کنند، هر چند رهبران نظامی چنین گزینه‌ای را غیر محتمل نمی‌شمارند. مرگ فیزیکدان ایرانی، اردشیر حسین پور، که گفته می‌شود در برنامه هسته ای ایران همکاری داشته است، بوسیله موسسه پیش بینی راهبردی (استرات فور) که یک آژانس اطلاعات خصوصی در تگزاس ایالات متحده است، ترور توسط موساد عنوان شده است. (18) در حال حاضر، ایران در حال انجام تحقیقات اتمی است و مقامات اسرائیلی عنوان می‌کنند که هدف آن ساخت سلاحهای

1 - Operation Orchard

2 - Deir ez-Zor

3 - Shaldag

4 - Sayeret Matkal

5 - Nuclear Bunker-Busters

هسته ای می باشد. اسرائیل فعالیت‌های دیپلماتیک و عملیات روانی گسترده‌ای را برای توقف غنی سازی اورانیوم ایران در دستور کار دارد. این کشور بر تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل علیه ایران و تشدید آنها تاکید کرده و به دفعات تهدید کرده است که اگر ایالات متحده نتواند برنامه هسته ای ایران را متوقف کند، به عملیات نظامی علیه ایران متوسل خواهد شد. (19) با توجه به اینکه اسرائیل کشوری کوچک و به زعم خود در محاصره دشمنان است و از طرف دیگر توان اقتصادی یا سیاسی کشورهای قدرتمند را در اختیار ندارد، در راستای نیل به اهداف سیاست خارجی خود از جمله عدم اشاعه هسته ای در خاورمیانه، عملیات پنهانی را مورد استفاده قرار می دهد. این در حالی است که همچنان در صدد توسعه تواناییهای تسلیحاتی خود است. (20)

3- بازدارنگی مبهم اسرائیل و روند صلح خاورمیانه

هر چند فرآیندی با عنوان روند صلح خاورمیانه از سالها پیش آغاز شده و همچنان طی مسیر می کند با این حال پیشرفت قابل توجهی در آن دیده نمی شود و نامشخص بودن چنین روندی تأثیر مهمی در پیگیری سیاست ابهام هسته ای اسرائیل دارد. مقامات اسرائیلی بر این باورند که علی رغم روند صلح و تغییرات اساسی در مواضع برخی کشورهای عرب در مقابل آن کشور، هنوز محدودی از کشورهای عرب و جمهوری اسلامی ایران در صدد نابودی اسرائیل هستند. در چنین حالتی که اسرائیل محیط منطقه را تهدیدآمیز و آینده روند صلح خاورمیانه را نیز مبهم می بیند، گزینه بازدارندگی اتمی را به عنوان پایه‌ای برای پذیرش تدریجی این کشور توسط اعراب می داند و بر آن پای می فشارد و اعتقاد دارد به تغییر سیاست خود در شرایط موجود ندارد. افزون بر این اسرائیل مسئله بازدارندگی را برای جبران کمی وسعت سرزمین خود، فقدان عمق استراتژیک، عدم توازن ساختاری در منطقه و زخم پذیری در مقابل حملات سلاحهای متعارف و غیر متعارف لازم می داند، و لذا عدم تحقق صلح جامع خاورمیانه موجبی برای تداوم پافشاری اسرائیل بر این موضوع است. (21) جنگ‌ها و تهدیدات پیشین، آثار زیادی بر فرهنگ راهبردی اسرائیل گذارده است، به طوری که تصمیم گیران اسرائیلی قدرت تلافی بزرگ (عکس العمل شدید متقابل) را برای جلوگیری از تجدید حملات، که بقای دولت یهود را به خطر می اندازد ضروری دانسته‌اند. اسرائیل بر این باور است که برخی از دولت‌های همسایه و منطقه خاورمیانه در صدد به دست آوردن سلاحهای غیرمتعارف و موشک‌های دوربرد برای هدف قرار دادن این کشور هستند. (22) سخنان مقامات اسرائیلی نیز از بن گورین گرفته تا شیمون پرز و ابیهود باراک و دیگر مقامات اسرائیلی در طی سالهای اخیر گویای این مطلب است که

اسرائیل تمام موضوعات منطقه را در راستای یکدیگر و نه جدا از هم ارزیابی کرده و مدعی است تا به نتیجه نرسیدن روند صلح هیچ تغییری در سیاست‌های هسته ای این کشور صورت نخواهد گرفت. در واقع پافشاری اسرائیل به توسعه توانایی‌های غیر متعارف و تداوم سیاست ابهام اتمی آن کشور، اثر بومرنگی عدم پیشرفت و مخالفت با روند صلح خاورمیانه می باشد که مستمکی بر تداوم سیاست بازدارندگی اسرائیل است. از طرف دیگر ایالات متحده نیز به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل، از این سیاست اسرائیل حمایت کرده و مقامات واشنگتن نیز موضوعات امنیتی و کنترل تسلیحات را در ارتباط با صلح خاورمیانه مورد بررسی قرار می دهند. دستیابی به صلحی پایدار در خاورمیانه برای امریکا بسیار مهم است. (23) این موضوع در سیاست خاورمیانه‌ای باراک اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده و همین طور تلاش‌های روسای جمهوری پیشین امریکا در جهت ایجاد صلحی پایدار در خاورمیانه کاملاً مشخص است.

4- دیدگاه اسرائیل در رابطه با برنامه هسته ای ایران

برنامه هسته ای ایران از دهه 1950 با کمک ایالات متحده در چهارچوب برنامه اتم برای صلح آغاز شد. حمایت، تشویق و مشارکت ایالات متحده و دولت‌های اروپای غربی در برنامه هسته ای ایران تا انقلاب 1979 ایران که طی آن رژیم پهلوی سرنگون شد ادامه یافت. بعد از انقلاب 1979، دولت ایران بطور موقت برنامه هسته ای را تعطیل کرد و پس از آن با مساعدت کمتر کشورهای غربی نسبت به دوران پیش از انقلاب از سر گرفت. برنامه هسته ای ایران شامل چند مرکز تحقیقاتی، راکتور تحقیقاتی و تأسیسات بازپروری اورانیوم است که 3 واحد غنی سازی اورانیوم را نیز در بر می گیرد. نیروگاه هسته ای بوشهر 1 که تاخیر زیادی در راه اندازی آن به وجود آمده است، بر اساس آخرین پیش بینی‌ها در تابستان 2010 به بهره برداری خواهد رسید. در حال حاضر برنامه‌ای برای تکمیل راکتور بوشهر 2 وجود ندارد، با این حال ساخت 19 نیروگاه هسته ای مدنظر قرار دارد. ایران اعلام کرده است در حال کار بر روی نیروگاه هسته ای 360 مگاواتی جدید در دارخوین است. ایران همچنین تمایل خود را برای ساخت نیروگاه‌های هسته ای با اندازه متوسط نشان داده است. مقامات اسرائیلی برنامه هسته ای ایران را تهدیدی برای موجودیت خود می دانند و رهبران این کشور مدعی هستند که تمام گزینه‌ها را در برخورد با ایران مدنظر دارند. در مقابل تعدادی دیگر از مقامات اسرائیلی بطور آشکار و یا در محافل و سخنان خصوصی خود چنین توصیفی از برنامه هسته ای ایران را تکذیب کرده‌اند. با وجود سخنان آقای احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران در رابطه با اسرائیل، بسیاری از کارشناسان اسرائیلی احتمال حمله هسته ای ایران به این کشور را بسیار پایین

ارزیابی می کنند. (24)

اسرائیل با ابراز تردید درباره نتیجه ارزیابی اطلاعات ملی سال 2007 که اعلام کرده بود ایران برنامه سلاحهای هسته ای خود را در سال 2003 متوقف کرده است، تاکید می کند که مدارکی در اختیار دارد که این برنامه فعال و ایران همچنان در صدد دستیابی به سلاحهای هسته ای است. (25) اسرائیل همچنین با رد گزارشهای نوامبر 2007 و فوریه 2008 آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره ایران، خواستار استعفای محمدالبرادعی مدیر کل پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی شده بود و او را به حمایت از ایران متهم می کرد. برخی شواهد نشان می دهد که مقامات عالی رتبه اسرائیلی، فرانسوی، آلمانی، بریتانیایی و امریکایی آژانس بین المللی انرژی اتمی را تحت فشار گذاشته اند تا مدارک سانسور شده ادعایی در ارتباط با برنامه سلاحهای هسته ای ایران را منتشر کند. در مقابل مارک ویدریکایر¹ سخنگوی وقت آژانس بین المللی انرژی اتمی چنین ادعاهایی را علیه البرادعی تکذیب و آنها را فاقد هرگونه پایه و اساسی دانسته بود. اوایل ژوئن 2008، معاون نخست وزیر وقت اسرائیل، شائول موفاز، از ناکارایی تحریمهای شورای امنیت در بازداشتن ایران از غنی سازی اورانیوم به شدت ابراز تاسف کرد. اسرائیل بر این باور است که غنی سازی می تواند به برنامه سلاحهای هسته ای مورد ادعایش کمک کند. موفاز عنوان می کند که شورای امنیت سازمان ملل و جامعه بین المللی وظیفه دارند تا از طریق اقدامات سختگیرانه این موضوع را برای ایران روشن نمایند که واکنشها در قبال پیگیری مستمر برنامه سلاحهای هسته ای بسیار زیان بار خواهد بود. موفاز همچنین تهدیدهای مستقیم بیشتری را درباره تأسیسات هسته ای ایران مطرح کرده، می افزاید: «اگر این برنامه تسلیحاتی هسته ای خنثی نگردد، ما حمله خواهیم کرد.» (26)

در مقابل غلام حسین الهام سخنگوی وقت دولت ایران، عنوان کرد که غیرممکن است که اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران حمله کند. مقامات ایران نیز طی نامه ای به سازمان ملل یادآور شدند که بر اثر مسامحه و سکوت شورای امنیت است که اسرائیل جسارت چنین سخنانی را پیدا کرده است. این سخنان در حالی بیان شد که چند روز پیش از آن ایهود اولمرت نخست وزیر وقت اسرائیل درخواست تحریمهای شدیدتری را بر علیه ایران مطرح و عنوان کرده بود که هزینه بلند مدت ایران هسته ای به مراتب بیش از منافع کوتاه مدت همکاری و تجارت با ایران خواهد بود. مقامات اسرائیلی درباره تصمیم دولت بوش پسر در 16 ژوئیه 2008 مبنی بر اعزام یک دیپلمات بلند پایه برای حضور در مذاکرات نمایندگان اتحادیه اروپا

و مذاکره گر ارشد هسته ای ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. برخی شواهد نشان می‌دهد که مقامات اسرائیلی از دولت بوش اطمینان حاصل کرده‌اند که درباره درخواست برای پایان غنی سازی اورانیوم هیچ گونه سازشی در کار نخواهد بود. اسرائیل در تلاش است تا جامعه اطلاعاتی امریکا را بیش از پیش در جریان توانایی هسته ای ایران قرار دهد که این اقدامی در جهت آماده سازی ارزیابی اطلاعات ملی جدید به شمار می‌رود. در سپتامبر 2008 یوسی بایداتز رئیس بخش تحقیق اطلاعات نظامی اسرائیل خاطر نشان کرد که ایران به احتمال زیاد تا سال 2010 به توانایی‌های هسته ای دست نخواهد یافت. این در حالی است که اسرائیل یکی از چهار کشوری است که در کنار هندوستان، پاکستان و کره شمالی عضو معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته ای (ان پی تی) محسوب نمی‌شود و بیشتر کارشناسان نیز بر این باورند که تنها زرادخانه هسته ای خاورمیانه را در اختیار دارد. (27) برخی کارشناسان عنوان می‌کنند که موضع هسته ای اسرائیل تلاشها علیه ایران را پیچیده می‌کند. برخی دیگر نیز معتقدند که برنامه هسته ای ایران تا حدودی در مقابل تهدید بالقوه از جانب اسرائیل هسته ای شکل گرفته است. ایران و اتحادیه عرب بر خاورمیانه عاری از سلاحهای هسته ای تاکید می‌کنند. با این حال اسرائیل در ماه مه 2010 اعلام کرد که تا زمان دستیابی به صلح پایدار با همسایگانش نه تنها در مذاکرات مربوط به منطقه عاری از سلاحهای هسته ای شرکت نمی‌کند بلکه به معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته ای نیز ملحق نخواهد شد.

روابط ایالات متحده-اسرائیل و نقش کمکهای خارجی در تحکیم آن

برای چندین دهه است که ایالات متحده و اسرائیل روابط دوجانبه مستحکمی را با یکدیگر دارند. چند عامل در استحکام این پیوند نقش دارند از جمله: حمایت‌های نیرومند از اسرائیل در داخل ایالات متحده؛ اهداف راهبردی مشترک در خاورمیانه (نگرانی درباره ایران، سوریه و افراط گرایی اسلامی)؛ ارزشهای دموکراتیک مشترک؛ و پیوندهای تاریخی دو کشور که به حمایت ایالات متحده در تأسیس اسرائیل در سال 1948 باز می‌گردد. کمکهای اقتصادی و نظامی ایالات متحده مولفه مهمی در تحکیم و تقویت این روابط به شمار می‌روند. هر چند اختلاف نظرهایی بین طرفین درباره شهرک سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری و فروش تسلیحات اسرائیلی به چین وجود دارد، دولت‌های مختلف ایالات متحده طی 60 سال اخیر و بسیاری از قانونگذاران این کشور، اسرائیل را به عنوان متحدی مطمئن در منطقه قلمداد کرده‌اند و کمکهای امریکا به اسرائیل نیز منعکس کننده همین واقعیت است. کمکهای نظامی ایالات متحده به اسرائیل، ارتش این

کشور را به یکی از مجهزترین و مدرن ترین نیروهای نظامی در جهان تبدیل کرده است. این کمکها بر این اساس طراحی شده تا اسرائیل به لحاظ نظامی بر همسایگانش برتری کیفی داشته باشد. (28)

کنگره ایالات متحده اقداماتی را در راستای تقویت امنیت اسرائیل و حفظ تفوق نظامی کیفی این کشور بر همسایگانش اتخاذ کرده و دولتهای مختلف ایالات متحده نیز تعهد امریکا را به تقویت چنین برتری به دفعات مورد تأیید قرار داده‌اند. اسرائیل به دلیل کمبود نیروی انسانی و در راستای جبران آن باید بر آموزشها و تجهیزات پیشرفته تر در منازعات منطقه‌ای بالقوه تکیه کند. بخشی از کمکهای نظامی امریکا را که اسرائیل می تواند در صنایع دفاعی داخلی خود هزینه کند کمک فراوانی به اسرائیل کرده و این کشور را به یکی از 10 تولید کننده برجسته تسلیحات در سطح جهان بدل کرده است. (29)

کمکهای اقتصادی ایالات متحده به اسرائیل تأثیر زیادی بر اقتصاد این کشور بر جای گذاشته است. هم اکنون اسرائیل کشوری کاملاً صنعتی شده است و اقتصاد آن هم ردیف اقتصاد برخی از کشورهای اروپای غربی است. بر اساس موافقت دو کشور در رابطه با قطع تدریجی کمکهای اقتصادی به اسرائیل، در سال 2008 این کمکها متوقف شد. استفاده از کمکهای خارجی برای شتاب بخشیدن به روند صلح خاورمیانه نتایج مختلطی داشته است. قول مساعدت ایالات متحده به اسرائیل و مصر طی مذاکرات صلح در اواخر دهه 1970 این دو کشور را قادر ساخت تا خطرات مورد نیاز برای صلح را بپذیرند و همینطور در متقاعد کردن آنها به این موضوع که ایالات متحده خود را به حمایت از تلاشهای صلح متعهد می‌داند مؤثر واقع شد. پیشبرد صلح اسرائیل - فلسطین به چالش بزرگی برای سیاستگذاران ایالات متحده تبدیل شده، بطوری که بیشتر تحلیلگران بر این باورند که باید بین کمکهای خارجی وحل مسائل ارضی پیچیده و همینطور از میان برداشتن بی اعتمادی بوجود آمده طی دهه‌ها ارتباط وجود داشته باشد. برخی کارشناسان به ویژه در خاورمیانه از سیاست کمکهای امریکا انتقاد کرده بر این باورند که کمکهای خارجی ایالات متحده تنشها را در منطقه تشدید می کند. بیشتر مفسرین عرب تأکید می کنند که کمکهای امریکا به اسرائیل و حمایت این کشور از خریده‌های تسلیحاتی اسرائیل بطور غیر مستقیم موجبات درد و رنج فلسطینی‌ها را در پی دارد. در گذشته ایالات متحده اقداماتی را در مخالفت با ادامه شهرک سازیها انجام داده، اما بطور یک جانبه کمکهای اقتصادی یا نظامی را به اسرائیل قطع نکرده است. (30)

ناگفته پیداست که ادامه کمکهای ایالات متحده به اسرائیل برای این کشور چقدر اهمیت دارد. از سوی دیگر قانون کمکهای خارجی امریکا، دولت این کشور را ملزم می کند تا محدودیت‌های وسیعی را در ارائه

کمک به کشورهای دارای سلاح‌های هسته ای قائل شود. بر همین اساس نیز سیاست ابهام هسته ای اسرائیل عامل مهمی است که به تفاهم میان دو کشور کمک کرده و این هم به نفع ایالات متحده است چون برای سیاست عدم اشاعه این کشور مشکل ساز نمی شود و هم به نفع اسرائیل است چون بدون هیچ مشکلی بیشترین کمک‌های خارجی ایالات متحده را دریافت می کند. به این ترتیب اسرائیل با پیگیری سیاست ابهام هسته ای ضمن استفاده از کمک‌های خارجی امریکا، امکان ایجاد هرگونه تنش را با این کشور در این رابطه به حداقل ممکن کاهش داده است.

سیاست عدم اشاعه هسته ای امریکا

از زمان طرح باروخ، ایالات متحده با اشاعه سلاح‌های هسته ای مخالفت کرده است. فصل نهم از بخش دوم قانون کمک‌های خارجی ایالات متحده با عنوان عدم اشاعه و صدور کمک‌های کنترلی عنوان می کند که هدف کمک‌های ارائه شده در این فصل متوقف کردن اشاعه سلاح‌های هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک و همینطور سلاح‌های متعارف از طریق حمایت از فعالیتهای مندرج در این فصل است. از طرف دیگر فصل دهم قانون کنترل صدور تسلیحات ایالات متحده با عنوان کنترل‌های عدم اشاعه هسته ای محدودیتهای وسیعی را در ارائه کمک به کشورهای دارنده تسلیحات هسته ای قائل است. این فصل عنوان می کند کشورهایی که در انتقال، صدور غیرقانونی و استفاده از سلاح‌های هسته ای و یا انتقال تکنولوژی، مواد و تجهیزات مربوطه نقش داشته اند با شرایط مندرج در این فصل نباید کمک خارجی دریافت کنند، مگر در موارد خاص که در این فصل قید شده است. (31) ناگفته نماند که ایالات متحده عضو معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته ای (ان پی تی) است و در این راستا تعهداتی را پذیرفته است. ایالات متحده در کنار فرانسه، چین، روسیه و بریتانیا پنج دولتی هستند که به عنوان قدرتهای هسته ای عضو ان پی تی شناخته می شوند و در کنار آن اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل نیز هستند. یکی از مهمترین بخش‌های این پیمان به عدم اشاعه سلاح‌های هسته ای مربوط می شود. این دولت‌ها بر اساس ماده اول معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته ای متعهد می شوند تا به هیچ وجه سلاح‌های هسته ای و یا تجهیزات انفجاری هسته ای را به دولت‌های فاقد سلاح هسته ای انتقال ندهند و همینطور از کمک، تشویق و یا حتی تحریک چنین کشورهایی در جهت دست یابی به سلاح‌های هسته ای اجتناب کنند. در کنار موارد یاد شده خط مشی ثابت دولت این کشور نیز نشان از آن دارد که ایالات متحده با اشاعه قابلیت سلاح‌های هسته ای مخالف

است. با این حال اسرائیل که به باور بسیاری از کارشناسان سلاح هسته ای در اختیار دارد و موضع هسته ای مبهمی را اتخاذ کرده است و بزرگترین دریافت کننده کمکهای خارجی امریکا محسوب می شود. نقش سیاست ابهام هسته ای اسرائیل در این بین حائز اهمیت است.

کمکهای خارجی ایالات متحده

کمکهای خارجی مولفه اصلی در بودجه امور بین الملل وزارت خارجه امریکا و ابزار مهمی در سیاست خارجی این کشور به شمار می رود. 4 شیوه عمده در ارائه کمکهای خارجی امریکا به چشم می خورد: کمکهای توسعه ای دو جانبه، کمکهای اقتصادی در جهت حمایت از اهداف امنیتی و سیاسی ایالات متحده، کمکهای بشر دوستانه و کمکهای اقتصادی چند جانبه. (32) بر حسب دلار، ایالات متحده بزرگترین ارائه کننده کمک در سطح بین المللی است (22,7 میلیارد دلار در سال 2006) اما بر حسب درآمد ناخالص ملی سهم ایالات متحده تنها 0,2 درصد است که نسبت به مشارکت کشورهای هم چون سوئد (1,04 درصد) و بریتانیا (0,52 درصد) در رده پایین تری قرار دارد. آژانس توسعه امور بین الملل ایالات متحده¹ عهده دار بخش بزرگی از کمکهای اقتصادی دو جانبه است، در حالی که وزارت خزانه داری این کشور اغلب کمکهای چند جانبه را بر عهده دارد.

در کنار کمکهای غیر نظامی، ایالات متحده کمکهای نظامی نیز ارائه می دهد. ایالات متحده در این راستا از شیوه های متفاوتی بهره می گیرد. بر حسب کمکهای نظامی مستقیم و طرح کلمبیا، این کشور در حدود 4,5 میلیارد دلار کمک نظامی در سال 2001 ارائه داده است که 2 میلیارد دلار آن به اسرائیل، 1,3 میلیارد دلار آن به مصر و 1 میلیارد دلار آن به کلمبیا اختصاص یافته است. در سال 2004 فاکس نیوز² اعلام کرد که ایالات متحده بیش از 700 پایگاه نظامی در 130 کشور مختلف در اختیار دارد. (33)

1- اسرائیل و کمکهای خارجی ایالات متحده

بعد از جنگ جهانی دوم اسرائیل در مجموع به عنوان بزرگترین دریافت کننده کمکهای خارجی ایالات متحده مطرح بوده است. اسرائیل بین سالهای 1976 تا 2004، بزرگترین دریافت کننده سالانه کمکهای خارجی ایالات متحده بوده و بعد از این تاریخ جای خود را به عراق داده است. بیشتر کمک های دو جانبه امریکا به اسرائیل در شکل مساعدت های نظامی است. با این حال اسرائیل در گذشته کمکهای اقتصادی

1 - The U.S. Agency for International Development (USAID)

2 - Fox News

قابل توجهی را نیز دریافت کرده است. (34)

تا سال 1962 کمک امریکا به اسرائیل بیشتر در شکل کمکهای اقتصادی بود. قبل از 1962 امریکا مقادیر محدودی سلاح را برای اسرائیل ارسال کرد. از سال 1965 امریکا تدریجاً به عرضه کننده اصلی تسلیحات اسرائیل تبدیل شد. کمکهای نظامی امریکا به اسرائیل از سال 1974 شروع شده و تعامل نظامی دو کشور قبل از این تاریخ بصورت مقطعی بود. کمکهای اقتصادی امریکا به اسرائیل که بیشتر برای پروژه‌های معین توسعه یا خرید کالا مشخص شده بود در سال 1975 و با آغاز پرداخت وام‌های مستقیم و پرداخت‌های نقدی رو به کاهش گذاشت. در اواسط دهه 1980 مجموع کمکهای اقتصادی و مالی امریکا به اسرائیل بین 3 تا 3,5 میلیارد دلار در نوسان بوده است. در سال 1998 مقامات اسرائیلی، کنگره و دولت امریکا موافقت خود را با کاهش کمکهای اقتصادی 1,2 میلیارد دلاری امریکا به اسرائیل و رساندن آن به صفر، را در عرض ده سال اعلام کردند. در مقابل کاهش کمکهای اقتصادی قرار شد تا کمکهای نظامی از رقم 1,8 میلیارد دلار به 2,4 میلیارد دلار در سال افزایش یابد. (35) در سال 2007 ایالات متحده کمکهای نظامی خود را 25 درصد افزایش و به مقدار 3 میلیارد دلار در هر سال برای یک دوره ده ساله رساند، در حالی که کمکهای اقتصادی را خاتمه داد. (36)

حمایت و پشتیبانی نیرومند کنگره ایالات متحده از اسرائیل موجب شده تا این کشور مزایایی را دریافت کند که به هیچ کشوری ارائه نمی شود. در این راستا کنگره ایالات متحده مقررات ویژه‌ای را در رابطه با کمک به اسرائیل وضع کرده است. از سال 1980، کمکهای اقتصادی و کمکهای نظامی خارجی به صورت نقدی به اسرائیل تحویل شده و به پروژه‌های ویژه تخصیص نمی‌یابد. این کمکها به جای افزایش دوره‌ای بصورت یکجا در اولین ماه سال مالی به اسرائیل انتقال می‌یابد. اسرائیل می تواند حدود یک چهارم از کمکهای نظامی را به جای هزینه در امریکا در بخشهای تحقیق و توسعه تجهیزات دفاعی و نظامی داخل اسرائیل هزینه کند. همچنین کنگره امریکا اعتباری را هم در راستای برنامه‌های دفاع موشکی مشترک امریکا - اسرائیل اختصاص داده است. در بودجه پیشنهادی باراک اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده برای برنامه‌های امور بین الملل ایالات متحده در سال مالی 2010، مبلغ 5,7 میلیارد دلار برای کمکهای نظامی خارجی، آموزش نظامی و عملیات حفظ صلح امریکا تخصیص یافته، که از آن 2,8 میلیارد دلار (تقریباً نصف مبلغ) به اسرائیل اختصاص داده شده است. (37) بر اساس آمار منتشر شده مجموع کمکهای خارجی ایالات متحده به اسرائیل در بخشهای مختلف از سال مالی 1949 تا 2009 از مرز 106 میلیارد دلار

فرا تر رفته است. (38)

2- موافقت نامه کمکهای نظامی 10 ساله

در ماه اوت 2007 دولت پیشین ایالات متحده (دولت بوش پسر) از تمایل خود برای افزایش کمکهای نظامی این کشور به اسرائیل تا 6 میلیارد دلار طی دهه آتی خبر داد. این موافقت نامه افزایش سالانه 150 میلیون دلار را در کمکهای نظامی مستقیم به اسرائیل پیش بینی می کرد، به طوری که از مبلغ 2,55 میلیارد دلار در سال مالی 2009، آغاز و به مبلغ 3,15 میلیارد دلار در سال 2013 می رسید و تا سال 2018 با همین روند ادامه پیدا می کرد. براساس مفاد این موافقت نامه اسرائیل قادر بود 26 درصد از کمکهای ایالات متحده را در تجهیزات ساخت اسرائیل هزینه کند. نیکولاس برنز 2 معاون پیشین وزیر امور خارجه در امور سیاسی که یادداشت تفاهم کمکهای نظامی ایالات متحده را امضا کرد بر این باور است که کمک 30 میلیارد دلاری به اسرائیل نوعی سرمایه گذاری برای صلح بلند مدت است. چون بدون داشتن توانایی لازم نمی توان صلح ایجاد کرد و بدون داشتن اسرائیلی قدرتمند در آینده صلح محقق نخواهد شد. او معتقد است که ایالات متحده در صلحی مشارکت می کند که در آن دولت مستقل فلسطینی و اسرائیل در کنار یکدیگر و در صلح زندگی کرده و همینطور صلحی جامع برای منطقه به ارمغان آید. جدول زیر دومین برنامه 10 ساله کمکهای نظامی پیشنهادی ایالات متحده به اسرائیل را از سال مالی 2009 تا 2018 نشان می دهد. (39)

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| سال مالی 2009 | 2,55 میلیارد دلار |
| سال مالی 2010 | 2,70 میلیارد دلار |
| سال مالی 2011 | 2,85 میلیارد دلار |
| سال مالی 2012 | 3,00 میلیارد دلار |
| سال مالی 2013 - سال مالی 2018 | 3,15 میلیارد دلار در هر سال |

نتیجه گیری

ابهام هسته ای راه کاری است که اسرائیل برای مقابله با تنش ها و مشکلات ناشی از داشتن سلاحهای هسته ای انتخاب کرده است. در سایه ابهام هسته ای اسرائیل توانسته است اهداف متضادی را برنامه ریزی کند. پیگیری این سیاست ضمن ایجاد بازدارندگی مبهم هسته ای، موجب شده تا این کشور از

کمک‌های خارجی آمریکا حداکثر استفاده را برد. هر چند این سیاست در کنار منافع خود، مشکلاتی را هم برای اسرائیل در برداشته است که از آن جمله ایجاد سوء ظن درباره برنامه هسته ای اسرائیل در نزد دیگر کشورهای منطقه است، با این حال به زعم مقامات اسرائیلی منافع پیگیری چنین سیاستی بر معایب آن می‌چربد. راهی را که اسرائیل در دهه‌های 1950 و 1960 به ابهام رسید اشخاص و حوادث تعیین کردند، اما از آن زمان به بعد ابهام وارد فرهنگ امنیت ملی اسرائیل شده است. فرهنگ ابهام هسته ای اسرائیل ریشه در چند دیدگاه دارد؛ اینکه داشتن سلاح‌های هسته ای برای امنیت اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، اینکه هنوز خاورمیانه نا امن و روند صلح خاورمیانه نامشخص است و باید بازدارنگی همچنان مد نظر باشد، اینکه اسرائیل نمی‌تواند بطور آشکار شرایط انحصار هسته ای را فراهم کند و از این رو باید وضعیت هسته ای خود را ناشناخته نگاه دارد، اینکه به سادگی نمی‌توان کمک‌های خارجی آمریکا را نادیده گرفت و نسبت به سیاست عدم اشاعه این کشور بی‌اعتنا بود و سرانجام اینکه سیاست ابهام هسته ای کمک شایانی به اسرائیل کرده است و جایگزینی ندارد. رهبران اسرائیل بر این باورند که ادامه موضع کنونی ابهام برای امنیت اسرائیل لازم است، زیرا اسرائیل تنها در این صورت می‌تواند برنامه هسته ای خود را بی‌عیب و نقص و بدون ممانعت ادامه دهد، بازدارندگی مبهم خود را حفظ کند، به عنوان ابزاری در جهت به نتیجه رسیدن روند صلح از آن استفاده کند و کمک‌های خارجی آمریکا را نیز بدون ایجاد هیچ مشکلی برای سیاست عدم اشاعه و قوانین این کشور دریافت کند. با توجه به شرایط موجود به نظر نمی‌رسد که شاهد تغییری در سیاست ابهام هسته ای اسرائیل باشیم، مگر اینکه در مواردی همچون روند صلح خاورمیانه که مد نظر رهبران اسرائیل قرار دارد پیشرفت چشمگیری حاصل گشته و این سیاست دستخوش تغییر گردد.

یادداشت‌ها

- 1- آونز، کوهن، *اسرائیل و سلاح‌های هسته ای*، ترجمه رضا سعید محمدی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1385)، ص 355.
- 2- محمدرضا، ملکی، «استراتژی اسرائیل در منطقه خاورمیانه و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره ششم، تابستان 1386، صص 24 و 25.
- 3- کوهن، پیشین، صص 354 و 357.

- 4- «Israel», CIA Factbook (CIA), Retrieved from, <http://www.cia.gov/> 23 April 2010.
- 5- «Israel closes decade with population of 7.5 million». **Haaretz**. 31 December 2009. Retrieved from, <http://www.haaretz.com/>
- 6- «The Palestine Mandate», **The Avalon Project**, 24 July 1922. Retrieved from, <http://avalon.law.yale.edu/>
- 7- Avner Cohen & William Burr, «The Untold Story of Israel's Bomb», **Washington Post**, April 30, 2006; B01.
- 8- «Olmert Says Israel Among Nuclear Nations», 2006/12/11, Retrieved from: <http://www.forbes.com/>
- 9- «Strategic Doctrine», **Global Security**, (28 April 2005), Retrieved from: <http://www.globalsecurity.org/>

10- کوهن، پیشین، ص 354.

- 11- Free Encyclopedia, «Nuclear weapons and Israel», **Wikipedia**, Retrieved from: <http://en.wikipedia.org/wiki/>, this page was last modified on 28 May 2010.
- 12- **Louis R. Beres**, «Israel's Uncertain Strategic Future Parameters». Spring 2007, 37-54. Retrieved from, <http://www.carlisle.army.mil/>
- 13- Hersh, Seymour. **The Samson Option: Israel's Nuclear Arsenal and American Foreign Policy**, New York: Random House. 1991. ISBN 0-394-57006-5, p 318.
- 14- Ross Dunn, «Sharon eyes «Samson option» against Iraq», November 3, 2002, Retrieved from: <http://www.news.scotsman.com/>

15- محمدرضا ملکی و فرزاد محمدزاده ابراهیمی «اسرائیل و انحصار هسته ای در خاورمیانه»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره نهم، زمستان 1388، صص 195 و 196.

16- «ملاقات محرمانه اولمرت با طراح حمله به راکتور اتمی عراق» (راديو فردا)

<http://www.radiofarda.com/Article/2008/06/23> Retrieved from,

- 17- Seymour Hersh, «A Strike in the Dark-What did Israel bomb in Syria?» **The New Yorker**, February 11, 2008, Retrieved from: <http://www.newyorker.com/>

18-«Geopolitical Diary: Israeli Covert Operations in Iran», **Stratfor**, 2007-02-02.

Retrieved from: <http://www.stratfor.com/>

19- Rowan Scarborough, «Israel pushes U.S. on Iran nuke solution», **The Washington Times**, February 21, 2005, Retrieved from: <http://www.washingtontimes.com>

20- T. Dugdale-Pointon, (22 August 2001), «The Israeli Intelligence Services; Deception and Covert Action Operations», Retrieved from: <http://www.historyofwar.org/>

21- Gerald Steinberg, «Deterrence and Middle East Stability: An Israeli Perspective», **Security**, Spring 1997.

22- **Ibid.**

23- ملکی، «استراتژی اسرائیل در منطقه خاورمیانه و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، صص 48-50.

24-«Bombs away», **The Economist**, July 17, 2007, Retrieved from: <http://www.economist.com/>

25- Steven Erlanger and Graham Bowley, «Israel Unconvinced Iran Has Dropped Nuclear Program», **New York Times**, December 5, 2007.

26- «Israeli minister threatens Iran», **BBC News**, June 6, 2008, Retrieved from: <http://news.bbc.co.uk/>

27- Free Encyclopedia, «Nuclear Program of Iran», **Wikipedia**, Retrieved from: <http://en.wikipedia.org/wiki/>, this page was last modified on 21 May 2010.

28- Congressional Research Service, «U.S. Foreign Aid to Israel», **CRS Report for Congress**, December 4, 2009. By Jeremy M. Sharp, p 1.

29- **Ibid.**

30- **Ibid.**

31-«Legislation on Foreign Relations Through 2000», **Committee on International Relations. Committee on Foreign Relations**, June 2001, Volume I-A of Volumes I-A and I-B Current Legislation and Related Executive Orders. U.S. House of Representatives. U.S. Senate

32- Curt Tarnoff & Larry Nowels, «Foreign Aid: An Introductory Overview of U.S. Programs and Policy», **CRS Report for Congress**, State Department, updated April 15, 2004, Retrieved from: <http://fps.state.gov/>

33-Fox News, 1st November, 2004 Analysts Ponder U.S. Basing in Iraq, Retrieved from: <http://www.globalsecurity.org/>

34- Congressional Research Service, **Op.Cit.**

35- محمدرضا ملکی، «همکاری‌های نظامی-امنیتی امریکا و اسرائیل»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، دانشگاه آزاداسلامی کرج، سال نخست، پیش شماره دوم، تابستان 1383، صص 55-58.

36- Barak Ravid, «Israel, U.S. formally sign new defense aid agreement», 16/08/2007, **Haaretz**. Retrieved from: <http://www.haaretz.com/>

37- Free Encyclopedia, «Israel-United States relations», **Wikipedia**, Retrieved from: <http://en.wikipedia.org/wiki/>, this page was last modified on 16 May 2010.

38- Congressional Research Service, **Op.Cit.**, p 21.

39- **Ibid**, p 3.

